



# موانع و پیش‌نیازهای تحقق مؤلفه‌های فرهنگی و آموزشی سند چشم‌انداز بیست ساله کشور

\* مهدی سبحانی‌نژاد  
\*\* سیاوش پورطهماسبی  
\*\*\* آذر تاجور

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۱  
تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۹/۲۷

## چکیده:

تلاش برای دست یافتن به آینده‌ای بهتر و تبیین ویژگی‌ها و ترسیم موقعیت جوامع برتر و ممتاز، نه تنها لازمه پویایی و امید مردم این سرزمین است؛ بلکه برآمده از اصول و آرمان‌هایی است که در اندیشه و فرهنگ اسلامی و انقلابی جای دارد و رویکرد، رفتار دولت و دستگاه اجرایی کشور را در چارچوب آن، هدفدار و معنادار می‌کند. برای تحقق این اندیشه و به‌ثمر رسیدن این تلاش‌ها می‌باید کشور راهنمای عمل داشته باشد. این راهنمای عمل به زبان برنامه، سند چشم‌انداز بلندمدت کشور است. نیل به هدف بزرگ جایگاه ایران به کشوری توسعه‌یافته، برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری و متکی بر سهم نیروی انسانی و دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه که براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله بر عهده بخش‌های مختلف نظام به‌ویژه نهادهای علمی نهاد شده است که آن هم در صورت تحقق مؤلفه‌های فرهنگی می‌باشد. توجه به جایگاه مسائل فرهنگی و نیز نقش آموزش عالی در تحقق سند چشم‌انداز باید در اولویت قرار گیرد و در قالب نقشه جامع فرهنگی تعریف شود.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، آموزش عالی، نظام فرهنگی، چشم‌انداز بیست‌ساله.

\* دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد Email: sobhaninejhad@shahed.ac.ir

\*\* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بيله سوار Email: tahmasbesiavash@yahoo.com

\*\*\* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بيله سوار

## مقدمه

به جایگاه فرهنگی او و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، نسبت داده می‌شود.

فرهنگ، با مجموعه‌ای از ویژگی‌ها مشخص می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ را این‌گونه بیان کرده‌اند: (طوسی، ۱۳۷۲).

۱. فرهنگ آموختنی است، نه غریزی و ذاتی و پیرو قانون یادگیری است.

۲. فرهنگ آموخته می‌شود.

۳. فرهنگ اجتماعی است؛ ریشه اجتماعی دارد و شماری از مردم، که در گروه‌ها و جوامع زندگی می‌کنند، در آن شریکند و بر پایه همین ریشه اجتماعی، نوعی همگونی نسبی در آن به چشم می‌خورد.

۴. فرهنگ پدیده‌ای ذهنی و تصویری است.

۵. فرهنگ خشنودی‌بخش است.

۶. فرهنگ سازگاری می‌یابد.

۷. فرهنگ یگانه‌ساز است.

به عبارت دیگر، فرهنگ اکتسابی، اجتماعی، ذهنی، بهجت‌آفرین، انطباق‌پذیر و وحدت‌آفرین است. همان‌گونه که هرسکویتس<sup>۱</sup> می‌گوید: فرهنگ آموختنی، قابل اشاعه و پویاست. توسعه فرهنگی، به عنوان بخش مهمی از فرایند توسعه، در نظریه‌های مربوط به توسعه اهمیت ویژه‌ای دارد (ژیرار، ترجمه زرین قلم، ۱۳۷۲).

## سند چشم‌انداز کشور

هرچند سابقه تدوین و ابلاغ رسمی چشم‌انداز کشور به سال ۱۳۸۲ باز می‌گردد؛ اما در حقیقت می‌توان چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه. ش، را دومین سند چشم‌انداز کشور دانست.

اولین چشم‌انداز نانوخته کشور که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و سال‌های نخست پس از آن طراحی و به اجرا گذاشته شد، بر محور استقرار حکومت جمهوری اسلامی و تثبیت انقلاب اسلامی بود. این چشم‌انداز به دست معمار اصلی انقلاب حضرت امام خمینی(ره) طراحی و عملیاتی شد. با تحقق ارکان اصلی چشم‌انداز نخست کشور، به‌رغم موانع و چالش‌های بسیار، به

تحقق اهداف چالشی چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۱۴۰۴، در گرو تحول فرهنگی کشور در سطوح مختلف می‌باشد که مهندسی فرهنگی سازوکار عملی کردن این تحول فرهنگی و نرم‌افزاری است.

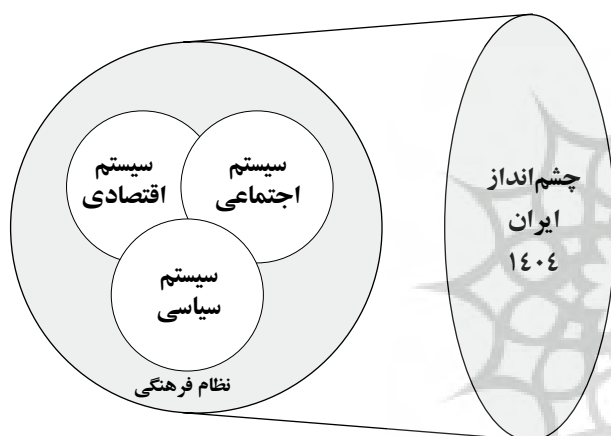
مروری بر چالش‌های بین‌المللی و ملی پیش روی کشور، وجود مؤلفه‌های فرهنگی را در تحقق سند چشم‌انداز کشور الزامی و گریزناپذیر می‌نماید. فراهم آوردن بستر فرهنگی لازم برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز کشور، تسریع توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور از طریق ایجاد سازگاری و هماهنگی با هویت و فرهنگ اسلامی- ایرانی و ارتقای سطح وحدت، هویت، امنیت و انسجام ملی از جمله کارکردهای مؤلفه‌های فرهنگی کشور است.

فرهنگ، میراث هزاران سال تلاش فکری، هنری و صنعتی نسل‌های گذشته یک ملت است. هر نسلی اندوخته‌های فرهنگی و تجارب زندگی خویش را با شیوه‌های گوناگون به نسل بعدی منتقل می‌کند، نسل بعد نیز اندوخته‌های خود را بر آن می‌افزاید و آن را به نسل پس از خویش انتقال می‌دهد. این جریان همواره در طول تاریخ ادامه داشته است. «همان‌گونه که شخصیت یک فرد حاصل تجربیات فردی اوست و موجب امتیاز او از دیگر افراد می‌گردد، فرهنگ یک جامعه نیز حاصل هزاران سال تجربه تلخ و شیرین آن جامعه می‌باشد و این فرهنگ جامعه است که هویت آن را شکل داده و آن جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌کند. از طرف دیگر، فرهنگ چگونگی زندگی کردن را به افراد می‌آموزد. اندیشه‌ها و رفتارها را جهت می‌دهد؛ روابط میان افراد، طبقات و اقشار گوناگون جامعه را تنظیم می‌کند و حتی نزاع‌ها و درگیری‌های قومی و ملی را نیز تحت قاعده در می‌آورد و حدود و ثغور آن را مشخص می‌کند. در واقع، فرهنگ و فضای فرهنگی، محیط اطراف ما را کاملاً احاطه کرده و ما در تمام صحنه‌های حیات فردی و اجتماعی خود، آن را لمس کرده و از آن تأثیر می‌پذیریم» (فولادی، ۱۳۸۶).

بنابراین، باید گفت: انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی، دارای نظام فرهنگی است. تنها انسان قادر به فرهنگ‌سازی است. به‌دلیل فرهنگ‌محور بودن زندگی اجتماعی انسان، کیفیت رفتاری افراد

کدام مقصد در حرکتیم؟ چشم‌انداز دارای خاصیت بازنمایی یا هولوگرافیک می‌باشد، یعنی چشم‌انداز گروهی، سازمانی، حتی یک بخش یا یک صنعت انعکاسی از چشم‌انداز ملی آن کشور یا جامعه؛ اما در مقیاس کوچکتر است.

چشم‌انداز از طریق خلق هویتی نو، باورها، گرایش‌ها، و رفتارهای متناسب با آینده ترسیم شده، به آینده نگرش مثبت ایجاد می‌کند، تحمل دشواری‌ها و چالش‌ها را آسان‌تر می‌کند، مقاومت در برابر تغییر را به مشارکت در تحول تبدیل می‌نماید. به‌طور کلی، چشم‌انداز به خلق بستر و زمینه مناسب برای شکوفایی استعدادها و به فعلیت درآمدن قابلیت‌های فردی و جمعی یاری می‌رساند (کاراهانا، ۲۰۰۵).



شکل ۱. مهندسی فرهنگی اساسی‌ترین ابزار تحقق اهداف سند چشم‌انداز

### اهداف فرهنگی سند چشم‌انداز کشور

همان‌گونه که گفته شد، کارکرد اساسی فرهنگی سند چشم‌انداز کشور، شناسایی و برقراری تناسب و تعادل اثربخش بین ارزش‌ها از طریق ایجاد یکپارچگی و وحدت ساختاری و محتوایی در فرهنگ کشور است. این فرایند در چهار حوزه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با محوریت نظام فرهنگی تحقق می‌یابد. از این‌رو می‌توان اهداف کلان طراحی مهندسی فرهنگی کشور را این‌گونه بیان کرد:

۱. فراهم آوردن بستر فرهنگی لازم برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴؛ تسریع توسعه اقتصادی

تدریج اجماع درباره ضرورت تدوین چشم‌انداز فراگیر کشور بین مدیران عالی نظام در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شکل گرفت و درنهایت این مهم با هدایت و راهبری حکیمانه مقام معظم رهبری و از طریق مشارکت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، هیئت دولت، مجمع تشخیص مصلحت، صاحب‌نظران و مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها باعنوان چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. ش، به‌منصه ظهور رسید. بنابراین چشم‌انداز نخست، با رویکرد طراحی فردی و غیررسمی و با تکیه بر ظرفیت‌های رهبری پرجاذبه و معنوی<sup>۱</sup> تدوین شد و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. ش، به‌عنوان دومین چشم‌انداز کشور با رویکرد جمعی و مشارکت ملی تدوین و به تأیید مراجع ذیصلاح و درنهایت تصویب مقام معظم رهبری رسید.

هدف اصلی چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، متغیرهایی از جمله، رشد فرهنگ، آگاهی‌بخشی، رسیدن به توسعه‌ای مناسب با مقتضیات فرهنگی، رسیدن به موفقیت الهام‌بخش در جهان اسلام، رسیدن به توسعه‌ای متناسب با هویت اسلامی و انقلابی، آزادی‌های مشروع، ایجاد جامعه‌ای مفتخر به ایرانی بودن، ایجاد جامعه‌ای مسئولیت‌پذیر، ایجاد جامعه‌ای ایثارگر، مؤمن و رضایت‌مند، برخورداری از دانش پیشرفته، رفع فقر، فساد و تبعیض، مردم‌سالاری دینی، رشد آموزشی، رشد پژوهشی، فرصت‌های برابر، برخورداری از وجدان کاری، برخورداری از انضباط، روحیه تعاون، جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، جامعه نواندیش، جامعه اخلاقی و حفظ کرامت انسان (فرم‌هینی فراهانی، ۱۳۸۸)، ایجاد حس مشترک، ذهنیت مشترک، هماهنگی و هدایت تلاش‌ها، افکار و منابع کشور به‌سوی بخش‌های اصلی است که تحقق اهداف توسعه‌ای کشور را ممکن می‌سازد. بنابراین ایجاد تعهد در آحاد جامعه و برخورداری از حمایت و پشتیبانی آنها از الزامات اساسی تحقق اهداف سند چشم‌انداز می‌باشد (رضایی، ۱۳۸۴).

بر این اساس چشم‌انداز در ذات خود، تحولی فرهنگی تحول در باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌ها، و الگوهای رفتاری است. تحول معرفتی، ارزشی و رفتاری درباره اینکه کیستیم؟ و می‌خواهیم چه کسی باشیم؟ در کجا ایستاده‌ایم؟ و به سوی

1. Charismatic

2. Karahanna

دیگر، برخی عناصر فرهنگ مادی و برخی غیر مادی است. «در مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگ باید به همه ابعاد فرهنگ توجه ویژه شود. عدم همراهی بُعد فرهنگی و غیرمادی فرهنگ با سایر ابعاد، به‌ویژه ابعاد مادی جامعه به‌عنوان تأخر فرهنگی<sup>۱</sup> شناخته می‌شود.» (آگبرن، و نیمکف، ترجمه آریانپور، ۱۳۸۵). یکی از پیامدهای این بی‌توجهی، تأخر فرهنگی در حوزه فرهنگ است که ممکن است این‌گونه رخ دهد: برای مثال اگر تکنولوژی در یک جامعه‌ای تغییر کند، در عین حال، در نظام آموزشی هیچ‌گونه تغییراتی رخ ندهد، و دوره تحصیلی و آموزشی با فرایند تغییرات تکنولوژیکی و آثار و تبعات آن تطبیق نکند، دانش‌آموزان به‌دلیل بیگانه بودن با فرایند تغییرات موجود، دیگر قادر نخواهند بود تا در جامعه شاغل شوند و عملاً آنان بیکار خواهند ماند. این بیکاری همواره و در هر جامعه‌ای مشکل‌ساز خواهد بود مگر اینکه دوره آموزشی مکانیزه شود. در واقع، «تأخر فرهنگی در یک جامعه زمانی رخ می‌دهد که یکی از دو بخش فرهنگی که به‌هم پیوسته بودند، زودتر از بخش دیگر تغییر یابد.» (غروی‌زاد، ۱۳۷۶). در این میان، باید گفت که فرایند تغییر در بعد میراث مادی بیش از بعد غیر مادی آن است. میراث مادی زودتر از بعد غیر مادی آن تغییر می‌کند و این به‌دلیل استانداردهایی است که نوآوری‌های مادی و کمی را می‌توان دقیق‌تر ارزیابی کرد.

اما در ابعاد فرهنگ معنوی از جمله ارزش‌ها، باورها و هنجارها استانداردهای پذیرفته‌شده‌ای وجود ندارد و مشخصه کمی، عینی و قابل اندازه‌گیری وجود ندارد، فرایند تغییر در اینجا محسوس و سریع نیست، بلکه تغییرات آن تابع تغییرات عرصه میراث مادی است.

اجتماعی کشور از طریق ایجاد سازگاری با هویت و فرهنگ خودی؛ حفظ، تقویت، ارتقای وحدت و هویت ملی و امنیت اجتماعی؛ کاهش پیامدها و کارکردهای ناخواسته و منفی فرهنگی بخش‌های اقتصادی و سیاسی؛ ایجاد وحدت و یکپارچگی در عرصه‌های مختلف فرهنگی کشور؛ زمینه‌سازی برای استمرار و توسعه دستاوردهای انقلاب اسلامی؛ تعالی معنوی و اخلاقی جامعه از طریق فراهم آوردن بستر و فضای سالم فرهنگی (رازنهان، ۱۳۸۶)، تهیه و تدوین سیاست‌های لازم برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب،

۳. ارزیابی مستمر نسبت به چگونگی فعالیت‌های دستگاه‌های فرهنگی در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز (زندى، ۱۳۸۶)،

۴. بررسی و تحلیل بسترها و جریان‌های تأثیرگذار فرهنگی - جهانی بر بستر فرهنگی کشور،

۵. تبیین و تعیین شاخص‌های کمی و کیفی برای ارزیابی وضع موجود فرهنگی کشور،

۶. تهیه و تصویب سیاست‌های لازم برای رشد و تقویت باورها و گرایش‌های دینی، معنوی و فرهنگی کشور،

بنابراین، هدف اصلی در چشم‌انداز فرهنگی، برنامه‌ریزی هدفمند و مدیریت آگاهانه و با برنامه‌ریزی قبلی، در عرصه فرهنگ و همسان‌سازی و همسو کردن نظام فرهنگی با سایر نظام‌ها می‌باشد.

## چالش‌های فراروی فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی سند چشم‌انداز

فرهنگ دارای دو بعد مادی و غیرمادی است؛ به عبارت

جدول ۱. مقایسه دو نوع نظام‌داری چشم‌انداز و فاقد چشم‌انداز

جامعه دارای چشم‌انداز مشترک	جامعه بدون چشم‌انداز	جوامع
فرصت‌مداری	مسئله‌مداری	انگیزه اصلی
تغییر	ثبات	نحوه نگاه به جهان
پیشرفت به سوی اهداف	عملکرد گذشته	سیستم‌های اطلاعات
استراتژیکی	تاکتیکی	نوع تصمیم‌گیری
نتایج بلندمدت	نتایج کوتاه‌مدت	روش برآورد عملکرد
فشار گروه هم‌تایان	عادت	مکانیسم کنترل
فعال	واکنشی	سبک برنامه‌ریزی

مأخذ: رضایی، ۱۳۸۴.

فرایند تحقق تأخر فرهنگی از نظر آگبورن این گونه است: به دلیل رشد سریع و شتابان میراث مادی و کندی تغییر در فرهنگ معنوی، این امر موجبات تأخر فرهنگی را فراهم می‌آورد. البته، بیشتر اوقات نوآوری‌های مادی تغییراتی را در زندگی اجتماعی فراهم می‌کند که به ندرت این امر موجب می‌شود که فرهنگ معنوی نیز با آن سازگار افتد. برای مثال، اختراع اتومبیل با آزادی جوانان و عدم دخالت مستقیم والدین در ازدواج آنان همراه بوده و این امکان را که افراد دور از خانه خود کار کنند را فراهم ساخته است (غروی‌زاد، ۱۳۷۶).

به طور قطع چنین چیزی با فرهنگ سنتی حاکم ناسازگار است. مقاومت در برابر این فرایند و نفی مطلق آن و یا پذیرش بدون قید و شرط تغییرات اجتماعی، هر دو آثار و تبعات زیان‌باری به دنبال دارد. در چنین فرایندی، به سبب شکاف بین حوزه‌های شناختی - فرهنگی و مادی جامعه، نابسامانی و بی‌سازمانی‌های رفتاری و اجتماعی یکی پس از دیگری در جامعه بروز می‌کند. توسعه فرهنگی در شرایطی به عنوان محور توسعه مطرح می‌شود که کشورهای دارای جان‌مایه‌های غنی فرهنگ بومی، ملی و دینی و کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران، در معرض تهدیدها، تهاجم و جریان‌های نوین و پرشتاب فرهنگی - جهانی باشند.

با وجود اهمیت اساسی فرهنگ و توسعه فرهنگی در جامعه، به لحاظ تعاریف مبنایی و ماهوی، جهت‌گیری‌ها، ابزارها و کارگزاران حوزه فرهنگی، به دلیل ضعف روحیه همکاری گروهی و جمعی، وحدت رویه‌ای میان بخش‌های تصمیم‌ساز در حوزه فرهنگی وجود ندارد و موجب سرخوردگی نیروهای نخبه و نارضایتی آنان شده است. با چنین وضعیتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت، به انفعال فرهنگی و در بدترین حالت، به تشمت و چالش‌های مخرب در حوزه فرهنگی منجر می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۸۴).

آسیب دیگر در ارتباط با بحث‌های توسعه فرهنگی در جامعه، نگاه محض مادی و اداری به فرهنگ است. چنین رویکردی به حوزه فرهنگ، آن را از رسیدن به سرمنزل مطلوب باز می‌دارد. «بنابراین، مدیریت و سند چشم‌انداز فرهنگی می‌باید تفاوت ماهوی بخش‌های فرهنگی و غیر فرهنگی را از نظر نوع تصمیم‌گیری و اجرا مدنظر داشته باشد و بخش‌های اجرایی را از

نگاه صرف مادی به این حوزه باز دارد.» (میرفردی، ۱۳۸۶). از این رو، مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی مؤلفه‌های فرهنگی سند چشم‌انداز را می‌توان چنین برشمرد:

۱. «فقدان مدیریت راهبردی در تدوین اهداف و برنامه‌های فرهنگی کشور،

۲. عدم وجود ارتباط بین برنامه‌ها و چشم‌انداز کشور در حوزه فرهنگ،

۳. فقدان اهداف استراتژیک در حوزه فرهنگ،

۴. عدم وجود ارتباط بین شاخص‌ها و اهداف در حوزه فرهنگ،

۵. مشخص نبودن اقدامات لازم برای تحقق اهداف و تقویت هر یک از شاخص‌ها،

۶. فقدان نظام پالایش و نظارت مناسب برای جلوگیری از انحراف در اهداف.» (خادم، ۱۳۸۵).

از نگاهی دیگر، می‌توان گفت: امروزه فرهنگ ایران اغلب با دو چالش روبرو است: درون فرهنگی؛ برون فرهنگی.

در مهندسی فرهنگ، باید توجه داشت که به لحاظ درون فرهنگی، فرهنگ موجود دارای سه لایه است: لایه بومی و باستانی؛ لایه اسلامی و لایه جهانی و غربی.

بخشی از چالش در قلمرو فرهنگ در جامعه ما، ناشی از فعال شدن گسل این سه لایه است. یکی هم چالش برون فرهنگی است که مربوط به چگونگی تعامل این سه لایه، با سایر ساخت‌های اقتصادی و سیاسی است که اگر این تعامل درست مدیریت نشود، این گسل آسیب‌زا و بحران‌زا خواهد بود. همه سخن در بحث فرهنگ این است که بتوان فرهنگ را از درون و بیرون و از نظر نقاط قوت، ضعف، آسیب‌ها، بحران‌ها و هنجارها شناسایی تا از وضع موجود به وضع مطلوب فرهنگی رسید.

### نقش آموزش عالی در تحقق مؤلفه‌های فرهنگی سند چشم‌انداز

امروزه انتظار حرکت‌های اصولی و ارائه برنامه‌های راهبردی فراهم آمده است. به نظر می‌رسد، به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب، باید در این باره، نهضتی درانداخت و با بسیج همه امکانات و ظرفیت‌ها دست به «نهضت نرم‌افزاری» و «راه‌های میانبر علمی» زد و همه نخبگان و صاحبان خرد و مدیران مربوط، دست در



و جایگاه موجود، مجموعه‌ای از اطلاعات و آمارهایی خواهد بود که با تجزیه و تحلیل آنها، می‌توان موضوعات مرتبط با فرهنگ و نظام فرهنگی و آموزشی را به‌عنوان شاخص‌های شناختی ترسیم کرد. ترسیم این وضعیت، نقاط ابهام وضع موجود را روشن می‌کند. آن‌گاه، حرکت واقع‌بینانه براساس تنظیم برنامه‌ای جامع و همه‌جانبه امکان‌پذیر می‌گردد (ناظمی، ۱۳۸۶).

بیان واقعیت‌های موجود فرهنگ و نظام فرهنگی کشور به صورت شفاف، همزمان با شناخت جایگاه آن در جهان، ترسیم‌کننده وضعیت و جایگاه موجود عرصه فرهنگ ما خواهد بود که از یک‌سو، فرصت‌ها و تهدیدهای آن در این محیط بین‌المللی به‌دست خواهد آمد و از سوی دیگر، نسبت مؤلفه‌ها و آرمان‌های اسلامی در عرصه فرهنگ روشن خواهد شد. بدیهی است که عوامل تأثیرگذار بسیاری در ترسیم نقشه جامع این واقعیت نقش ایفا می‌کنند. این امر مستلزم انجام مجموعه‌ای از پروژه‌های تحقیقاتی برنامه‌ریزی شده، نظری و میدانی است (فولادی، ۱۳۸۸).

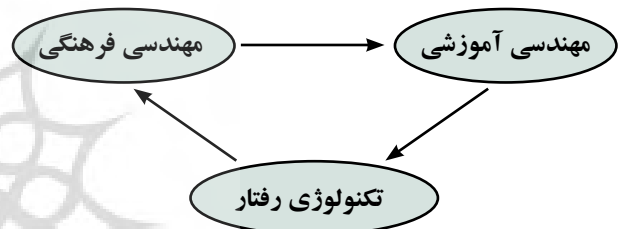
مهم‌ترین هدف در انجام این‌گونه تحقیقات، یافتن پاسخ این سؤال است که به‌راستی وضعیت موجود نظام فرهنگی کشور ما چیست و در چه جایگاهی قرار دارد؟ نقش علم و فرهنگ در توسعه، پیشرفت و آبادانی کشور به چه میزان است؟ مطالعات بنیادین و راهبردی فرهنگ و نهضت علمی در این زمینه، به چه میزان در تعالی و پیشرفت کشور مفید می‌باشد؟ اگر نقش برجسته بازی می‌کند - که چنین نیز هست - هر مطالعه جامعی، بدون نیازسنجی و شناسایی واقعیت‌های موجود ابتر خواهد بود. از این‌رو، ضروری است که به‌طور جامع وضعیت علمی و فرهنگی کشور مورد مطالعه و شناسایی قرار گیرد. از آنجایی که فرهنگ، بخش جدایی‌ناپذیر علم جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی است، از این‌رو، در این زمینه، نخبگان علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناسی نقش کلیدی و اصلی را بازی می‌کنند.

## ۲. ترسیم وضع مطلوب فرهنگ جامعه دینی

فرهنگ میراث هزاران سال تلاش فکری، هنری و صنعتی نسل‌های گذشته یک ملت است. هر نسلی اندوخته‌های فرهنگی و تجارب زندگی و نیز عناصر فرهنگی خویش را - که معمولاً برگرفته از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم می‌باشد - با شیوه‌های گوناگون به نسل بعدی منتقل می‌کند، نسل بعد نیز اندوخته‌های

دست هم و با همدلی، عزم ملی و همت بلند مسئولان و نخبگان دلسوز جامعه، به‌ویژه در عرصه علوم اجتماعی، اقدامات مناسب را برای فائق آمدن بر این مشکل به انجام رساند.

اقدامات زیربنایی متعددی را می‌توان در این زمینه برشمرد؛ اما در این میان، شاید تحول در نظام آموزشی کشور، به‌طور عام و در آموزش و پرورش رسمی کشور به‌طور خاص، کلید موفقیت تحولات بزرگ آینده فرهنگ را در اختیار ما قرار دهد. در واقع، تغییر و تحول اساسی در حوزه نظام تعلیم و تربیت کشور، زیربنایی‌ترین اقدام کوتاه‌مدتی است که برای دستیابی به تحول در عرصه فرهنگ، مورد نیاز جامعه کنونی ماست. به‌این منظور، شناخت وضع موجود و ترسیم راه‌های نیل به وضع مطلوب، از جمله اقدامات اساسی در عرصه فرهنگ، به‌معنای عام است.



شکل ۲. تعامل نظام آموزشی با نظام فرهنگی

در واقع، مهم‌ترین وظیفه‌ای که امروز نخبگان علوم اجتماعی و آموزشی بر عهده دارند این است که درباره برنامه‌ریزی بنیادین و مهندسی فرهنگ جامعه، باید نهضتی در انداخت و این نهضت، همانا انجام مطالعات بنیادین در عرصه فرهنگ به‌طور عام و نظام آموزشی به‌طور خاص است. در این باره انجام چند مطالعه زیر ضروری است:

### ۱. شناسایی وضع موجود نظام فرهنگی

اصولاً هر طرح و پروژه کلان، بنیادین، راهبردی و استراتژیک، زمانی می‌تواند مبتنی بر واقعیت‌های موجود بوده و جامه واقعیت بپوشد که قرین مطالعات میدانی، نیازسنجی و شناسایی وضعیت موجود باشد. تعیین دقیق جایگاه و موقعیتی که اکنون نظام فرهنگی و آموزشی کشور ما در آن قرار دارد، نیازمند جمع‌آوری دقیق اطلاعات و انجام تحقیقات وسیع و گسترده نظری و میدانی است تا بتوان اطلاعات جامعی از فرصت‌های حقیقی نظام فرهنگی موجود، توانمندی‌ها و نقاط ضعف آن به‌دست آورد. تعیین موقعیت

حداقل یک نسل کاری، بتوان به وضع مطلوب فرهنگی جامعه دینی دست یافت. اگر به این موضوع، عمر کوتاه دولت‌ها را اضافه کنیم - که معمولاً برای یک دوره چهارساله و یا دو دوره چهارساله بر سر کارند - امور جاری آن چنان آنها را درگیر می‌کند که عملاً فرصتی برای پرداختن به امور استراتژیک بلندمدت ده‌ساله و یا بالاتر را پیدا نمی‌کنند، اوج مشکلات بیشتر آشکار خواهد شد. بنابراین عملاً کارهای مهمی از این دست، از عهده دولت‌ها برنمی‌آید. نخبگان علوم اجتماعی که در عرصه فرهنگ فعالیت علمی و کارشناسی کرده‌اند و نیز عالمان دینی که در عرصه علم، فرهنگ، ارتباطات و علوم اجتماعی به صورت کارشناسی فعالیت علمی داشته‌اند، بهترین نامزد و گزینه برای این‌گونه مطالعات راهبردی هستند (فولادی، ۱۳۸۸).

با فراهم آوردن این دو دانش بنیادین، یعنی شناسایی و ترسیم وضع موجود فرهنگی و وضع مطلوب فرهنگ و فرهنگ دینی در جامعه دینی، زمان ترسیم و تعیین فاصله فرا می‌رسد. اگر این فاصله، به‌منزله شکاف و فاصله بین وضع موجود و مطلوب فرهنگی، باید بر پیمودن این فاصله، به‌نحو معقول از نظر زمان مورد نیاز، امکانات و ملزومات این حرکت، تصمیم‌گیری شود. بنابراین، احصاء، انتخاب و گزینش راهکارهای ممکن و انتخاب بهترین آنها امری ضروری است.

#### ۴. جایگزینی اصل تحول و تغییرات فرهنگی به جای اصل

##### ثبات فرهنگی

تا اواخر قرن ۲۰، فرض بر اصل ثبات فرهنگی بود، به این معنا که تغییر و تحولات فرهنگی به‌گونه‌ای نسبتاً طبیعی و تکاملی در جریان بود؛ اما این اصل در اواخر قرن بیستم به چالش کشیده شد و با آغاز قرن بیست‌ویکم اصل تحول و تغییرات فرهنگی جایگزین آن شده است. درحقیقت، از ریشه‌های اصلی این تغییرات پارادایمی، پیشرفت‌های تکنولوژیک و پیدایش جوامع اطلاعاتی بود که از یک سو به پویایی درونی روزافزون جوامع منجر شده و از سوی دیگر تحولات گسترده محیطی را در دو موج بین‌المللی و جهانی شدن به همراه داشته است. برخلاف گذشته که اصل ثبات حاکم بود، امروزه اصل تغییر و تحول فرهنگی قاعده حاکم بر همه جوامع است (ترنر، ترجمه فولادی، ۱۳۷۸).

خود را بر آن می‌افزاید و آن را به نسل پس از خویش انتقال می‌دهد. این جریان همواره در طول تاریخ ادامه داشته است. همان‌گونه که شخصیت یک فرد حاصل تجربیات فردی او است و موجب امتیاز او از دیگر افراد می‌گردد، فرهنگ یک جامعه نیز حاصل هزاران سال تجربه تلخ و شیرین آن جامعه است و این فرهنگ جامعه است که هویت آن را شکل داده و آن جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌کند. در یک جامعه دینی فرهنگ جامعه، برگرفته از دین و آموزه‌های دینی است. در واقع، فرهنگ در یک جامعه دینی، همان فرهنگ دینی است که برخی از عناصر آن فرهنگ رایج جامعه است و بخشی نیز ارزش‌ها و هنجارهای دینی برگرفته از آموزه‌های دینی است.

طبیعی است که در ترسیم وضعیت مطلوب فرهنگی کشور، علاوه بر شناسایی وضعیت موجود فرهنگی کشور، به‌عنوان مجموعه‌ای از آداب، سنن، رسوم، هنرها، صنایع فرهنگی، و... که حاصل تلاش هزاران سال فکری، هنری، صنعتی و به‌طور کلی، مجموعه محصولات فرهنگی یک ملت است، شناسایی باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی مردم مسلمان ایران نیز، که برگرفته از دین و آموزه‌های دینی آنان است و به‌طور کلی، شناسایی فرهنگ دینی آنان ضروری است.

به این ترتیب، در ترسیم وضعیت مطلوب فرهنگی جامعه دینی، استخراج عناصر فرهنگ دینی از منابع اصیل دینی و نیز مراجعه به سیره نبوی و علوی در جامعه دینی صدر اسلام و نیز سیره حضرات معصومان، درباره فرهنگ و عناصر فرهنگ دینی امری بایسته و ضروری است (فولادی، ۱۳۸۸).

#### ۳. تعیین فاصله وضع موجود با وضع مطلوب

شناخت و درک فاصله حقیقی بین وضع موجود و حالت مطلوبی که مقصد این حرکت کوتاه‌مدت است، از مهم‌ترین عناصر شناختی این حرکت می‌باشد. حرکت کوتاه‌مدت نباید به حرکت شتابزده و غیرمنطقی تعبیر شود. باید این‌گونه تصور کرد که اگر فاصله یک قرن بین وضع مطلوب فرهنگی جامعه دینی ما، با وضعیت موجود آن در ایران، بتوان در یک فرایند زمانی بیست الی سی سال کار محققانه، پرتلاش و شبانه‌روزی توأم با انگیزه بالا طی کرد، زمان ممکن و معقولی خواهد بود. چنین نگاه واقع‌بینانه‌ای گویای آن است که باید انتظار داشت تا پس از

## ۵. تبیین اهداف و سیاست‌های کلان فرهنگی

مهم‌ترین بخش این مرحله، تبیین و تنظیم سیاست‌های کلان و اهدافی است که با دستیابی به آنها، نتیجه مطلوب حاصل می‌گردد. از این‌رو، اهمیت فوق‌العاده این بخش، در گرو مستنداتی عالمانه و محققانه است که صحت انتخاب آنها را بدون خدشه اثبات کند تا بتوان براساس آن، فرهنگ همگانی و عزم ملی را در این زمینه ایجاد کرد. چنین سیاست‌ها و اهدافی دقیق، موجب می‌گردند تا در طول مسیر، تضمین کافی برای جلوگیری از تزلزل، توقف و انحراف فراهم آید.

علاوه بر این، تعیین اهداف و سیاست‌های کلان فرهنگی نظام اسلامی در یک چشم‌انداز بلندزمانی، منزلت و جایگاهی بسیار بلندتر از وضعیت فرهنگی وجود دارد؛ زیرا از یک‌سو، وضع موجود در این زمینه ثابت نیست و در کوره‌راه‌های روزمرگی گرفتار آمده است، اگرچه همواره رو به کمال بیشتر است؛ اما تا رسیدن به وضع مطلوب فاصله زیادی دارد. از این‌رو، باید با رهگیری وضع مطلوب جایگاه علم و فرهنگ در یک جامعه دینی، آینده حرکت‌های علمی و فرهنگی را با ترسیم و تبیین اهداف و سیاست‌های کلان، در یک زمان واقع‌بینانه به‌گونه‌ای انتخاب کرد که امکانات لازم را برای رسیدن به صف مقدم علم، به‌نحوی تنظیم کرد که برآیند آن، بتواند در این حرکت رو به جلو جایگاه مناسب را به‌دست آورد (فولادی، ۱۳۸۸).

از طرف دیگر، بحث علم و فرهنگ از جمله موضوعات بسیار مهم و ریشه‌ای است که اسلام و آموزه‌های دین مبین اسلام، نه تنها در آرمان‌ها، مبانی، اهداف، اصول، روش، محتوا، که حتی در جزئیات بسیار ریز آن هم وارد شده است. با این وصف، دریافت فرهنگ مطلوب دینی، هنگامی می‌تواند در این محیط و جامعه دینی مورد عمل واقع شود که علاوه بر همخوانی کامل، بتواند تمام خواست‌های آن را نیز تأمین کند.

اعمال سابقه درخشان تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی و ایرانی نیز از جمله ملاک‌های دیگری است که در این مجموعه بازشناسی و بازاندیشی، باید نقش مناسب و ویژه خود را در ترسیم نظام فرهنگی، علمی و فرهنگی، مطلوب ایفا کند.

## ۶. انتخاب راهکار مناسب

در ادبیات مدیریت، برنامه‌ریزی شامل احصاء راه‌کارها و

انتخاب مناسب‌ترین آنها، با در نظر داشتن راه‌های بدیل، به‌عنوان جانشین‌های احتمالی می‌باشد. با توجه به آنچه گذشت، توجه به اصول زیر در تنظیم حرکت کوتاه‌مدت اهمیت بسیاری دارد:

الف) تأمین نیروی انسانی مجرب، کارآمد و هوشمند در عرصه‌های گوناگون علوم انسانی، به‌ویژه علوم اجتماعی و به‌خصوص جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، با استفاده از ظرفیت علمی موجود کشور؛ (وحدت، ۱۳۸۲).

ب) شناخت و تعیین دقیق وضعیت موجود جایگاه علم و فرهنگ در ایران،

ج) شناخت عمیق و فراگیر وضعیت مطلوب علم، فرهنگ و تمدن اسلامی و دینی در همه عرصه‌ها (یونسیان، ۱۳۸۵)،

د) تعیین دقیق سیاست‌ها و اهداف کلان فرهنگی در همه عرصه‌ها در یک جامعه دینی،

ه) بازخوانی مجدد نقش علم و فرهنگ در تاریخ تمدن و فرهنگ درخشان ایران و تعیین نقش آن در افق‌های آینده (یونسیان، ۱۳۸۵)،

به‌این ترتیب، تعیین فاصله دقیق و جامع شامل فاصله وضع موجود علم و فرهنگ در کشور، با وضع مطلوب آن در جامعه دینی و نیز فاصله آن با آنچه در آموزه‌های دینی و در اسلام به آن تأکید و توصیه شده است و نیز با فرهنگ و تمدن ایران خواهد بود. پس از کسب این مؤلفه‌ها و براساس آن، مدیریت و برنامه‌ریزی جامع برای پیمودن این فاصله آغاز می‌گردد. بدیهی است که توجه تام و کامل به فرهنگ ایرانی، اسلامی و برنامه‌ریزی راهبردی و بنیادین برای نیل به اهداف بلند آن و بازسازی فرهنگ و تمدن کهن ایرانی، اسلامی در همین قالب معنا و مفهوم می‌یابد.

## ۷. شناسایی عوامل تغییر فرهنگ

در فرایند مطالعه، مؤلفه‌های فرهنگی چشم‌انداز، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر تغییر فرهنگ نیز امری لازم و ضروری است؛ چراکه در طول تاریخ حیات بشر، فرهنگ کالای گران‌بهایی بوده است که همواره در معرض خطر دستبرد راهزنان و شیادان قرار داشته است. به‌راستی علل و عواملی که موجب می‌شود یک فرهنگ در طول قرون متمادی یک‌دست، یکنواخت و دست‌نخورده باقی بماند و دستخوش تغییر و تحولات قرار نگیرد و یا



تدوین برنامه اجرایی در صورتی که امکانات براساس نیازهای واقعی و یا نزدیکی به واقع برآورد نگردند، حرکت مدبرانه را از مسیر اصلی خارج و دستخوش حوادث گوناگونی مانند تأخیر، توقف، جابجایی اهداف، یا شکست خواهد نمود. بزرگ‌ترین انگیزه حرکت‌های بزرگ در نیل به اهداف از پیش تعیین شده، در زمان‌های پیش‌بینی شده و یا حتی پیش از آن است، و این زمانی ممکن خواهد بود که برنامه‌ریزی واقع‌بینانه صورت گرفته باشد. البته واقع‌بینانه بودن، منافاتی با ریسک‌پذیری و قبول مخاطرات، سختی‌ها و جانفشانی‌های لازم ندارد؛ بلکه یک برنامه‌ریزی خوب، برنامه‌ای است که بتواند تمامی عوامل مؤثر در حرکت، از جمله ریسک‌پذیری را مدنظر داشته باشد (فولادی، ۱۳۸۸).

حاصل آنکه به نظر می‌رسد، تا کارها، برنامه‌ها و فعالیت‌های زیربنایی در عرصه فرهنگ صورت نگیرد و برنامه‌ریزی و مهندسی دقیق و همه‌جانبه‌ای در این عرصه به انجام نرسد، همه تلاش‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت و روزمره بیهوده خواهد بود. اتخاذ استراتژی مناسب در عرصه فرهنگ، جهت‌دهی، مدیریت، برنامه‌ریزی و مهندسی در این عرصه امری بایسته و لازم است. نخبگان عرصه فرهنگ و نیز سازمان‌ها و نهادهای متولی فرهنگ در این حوزه، همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات، مساجد، ائمه جمعه، حسینیه‌ها، تکایا، ستادهای نماز جمعه، رسانه‌های سمعی، بصری و مکتوب، مراکز علمی و پژوهشی و... در این عرصه صاحب نقش هستند.

عرصه فرهنگ نیازمند برنامه‌ریزی، ساماندهی، هدایت و مهندسی است. بیش از همه در این زمینه، نخبگان و دانشجویان و دانشگاهیان مسئولیت سنگین دارند و نیز بیش از همه، ما نیازمند برنامه‌های کارشناسی بلندمدت، استراتژیک و راهبردی هستیم. با برنامه‌ریزی جامع توسط دانشگاهیان کشور، می‌توان اهداف بلند زیر را دنبال کرد:

۱. تعیین شاخص‌ها، شیوه‌ها و روش‌های ارزیابی متغیرهای استراتژیک فرهنگی،
۲. شناسایی عمیق و گسترده وضعیت موجود فرهنگی کشور براساس هریک از این شاخص‌ها،

به‌سادگی و با اندکی تحول در محیط پیرامون، دستخوش تغییر و دگرگونی شود، چیست؟

سهام عوامل داخلی در مقایسه با عوامل خارجی در ثبات و تغییر فرهنگ‌ها چیست؟ اصولاً رابطه‌ای میان تغییر فرهنگ‌ها با تغییر خودباوری فرهنگی وجود دارد و یا نه؟ خودباوری فرهنگی و عوامل، سازوکارها و فرایند تغییر و تحول آن چیست؟ اصولاً می‌توان بدون تغییر خودباوری فرهنگی، و یا احساس شک و تردید در مثبت بودن فرهنگ ملی و دینی خود و عدم اعتقاد نسبت به قوت و کارایی فرهنگ خودی و نیز تمایل و جذب به فرهنگ بیگانه - دست کم به جنبه‌هایی از آن، فرهنگ یک کشور و ملتی را تغییر داد؟ عواملی که موجب یأس و سرخوردگی یک ملت از فرهنگ شده و موجب تغییر نگرش افراد نسبت به فرهنگ خودی می‌شود، چیست؟

از سوی دیگر، فرایند تغییر خودباوری فرهنگی چیست و چگونه تضعیف شده و به‌خودباختگی تبدیل می‌گردد؟ این تغییر و تحولات در جوامع بسته و با ثبات و جوامع باز و یا جدید چه تفاوتی با هم دارند؟ سازوکارهای صحیح تبادل و تعامل فرهنگ‌ها چیست؟ چگونه انتقال فرهنگ صورت می‌گیرد، انتقال فرهنگ چگونه دچار ضعف و اختلال می‌شود؟ در این میان، نقش و میزان تأثیر عواملی همچون ایدئولوژی، تکنولوژی و نوآوری، اقتصاد و سیاست و حاکمیت، رقابت و تضاد و مهاجرت و... در تثبیت و یا تضعیف فرهنگ و عناصر فرهنگی به چه میزان است؟

به هر حال، آنچه واقعیت دارد، این است که در جامعه ایران ما در حال تغییر و تحولات فرهنگی هستیم، این تغییر در مقاطعی پرشتاب و در مقاطعی کند بوده است. علل و عوامل و پیامدهای این‌گونه تغییرات چیست؟ در مطالعات راهبردی در عرصه فرهنگ باید حتماً نیم‌نگاهی هم به علل و عوامل تأثیرگذار و تغییردهنده فرهنگ داشت و به تغییر و تحولات فرهنگی جهت داد.

#### ۸. برنامه‌ریزی واقع‌بینانه

با توجه به شناسایی وضع موجود، مطلوب، اهداف، سیاست‌ها و نیز تبیین مناسب‌ترین راه‌کارها، باید شناسایی عوامل تغییردهنده، به برنامه‌ریزی واقع‌بینانه براساس توانمندی‌ها، امکانات، ظرفیت‌ها، و محدودیت‌ها پرداخت. اگرچه نگاه بلندپروازانه در تبیین اهداف، سیاست‌ها، مطلوب و پسندیده است؛ ولی به‌هنگام



حرکت کلی کشور، افق پیش روی همه قوا، دستگاه‌ها، نهادها و مردم در فضای ۲۰ ساله آینده را به تصویر می‌کشد. این سند جهت‌گیری خرد و کلان کشور را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و دفاعی را در بر می‌گیرد و نه فقط به پیش‌بینی آینده، بلکه به خلق آینده‌ای مطلوب و مناسب می‌نگرد.

کارکرد اصلی چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ را می‌توان آگاهی بخشی، هماهنگی و هدایت تلاش‌ها، افکار و منابع کشور به سوی بخش‌های اصلی دانست که تحقق اهداف توسعه‌ای کشور را ممکن می‌سازد. بنابراین ایجاد تعهد در آحاد جامعه و برخورداری از حمایت و پشتیبانی آنها از الزامات اساسی تحقق اهداف سند چشم‌انداز می‌باشد. بنابراین چشم‌انداز در ذات خود، تحول در باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌ها و الگوهای رفتاری ماست. شاید بتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که تحقق اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله کشور بدون جهت‌دهی راهبری تغییرات فرهنگی متناسب با اهداف چشم‌انداز دشوار می‌نماید. بنابراین پیش‌بینی روند تغییرات فرهنگی جامعه و جهت‌دهی و هماهنگ‌سازی آنها در چارچوب اهداف سند چشم‌انداز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود. از این رو رویکرد سند چشم‌انداز و کانون توجه، نظام فرهنگی جامعه است و هدف از آن شناخت عمیق اجزاء، عناصر و روابط بین آنها و باز طراحی و ساخت‌دهی مجدد براساس اهداف و کارکردهای مورد انتظار از آن با توجه به مجموعه مقتضیات (قابل مدیریت) و شرایط (نسبتاً ثابت) می‌باشد.

بی‌شک این نکته انکارناپذیر است که مجموعه آموزش عالی و فرهنگ به‌مثابه بانک علمی طراحی راهبردهای تحول در فرایند توسعه محسوب می‌شود. به عبارت دیگر برای نیل به تحول در جامعه، فرهنگ، اقتصاد و سیاست؛ استمداد گرفتن از حوزه فرهنگ و آموزش عالی اجتناب‌ناپذیر است. فرهنگ و آموزش عالی هدایت الگوها و تئوری‌های علمی را در سه حوزه توصیف، تبیین و تشریح و پیش‌بینی برعهده دارد. این خاصیت فرهنگ در فرایند تنظیم برنامه‌های سند چشم‌انداز مورد استفاده قرار گرفته است.

طبعاً طی کردن مرحله گذر از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب در افق بلندمدت مستلزم دگرگونی در ساختارها، نهادها و همچنین تنظیم حرکت‌ها به‌گونه‌ای بهینه و به‌نحوی

۳. طراحی وضعیت مطلوب فرهنگی کشور براساس شاخص‌های مزبور، با عنایت به مجموعه شرایط و مقتضیات رصد فرهنگی کشور و جهان،

۴. تعیین سیاست‌ها، اهداف و استراتژی‌های لازم برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب،

۵. تعیین فاصله زمانی برای طی این بستر و مسیر حرکت،

۶. شناسایی عوامل تغییردهنده فرهنگ و تأثیرگذار بر عناصر فرهنگی،

۷. تعیین سهم هریک از سازمان‌ها و نهادهای متولی عرصه فرهنگ در کشور، به تناسب ظرفیت‌ها، امکانات، منابع انسانی و مالی، اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آنان،

۸. بازخوردگیری و ارزیابی مستمر نسبت به هریک از شاخص‌ها، شیوه‌های ارزیابی وضع موجود، وضع مطلوب، استراتژی‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و نیز مجریان، نخبگان، برنامه‌ریزان و سازمان‌های متولی فرهنگ در حرکت به سمت وضع مطلوب.

۹. پیوند درونی و عمیق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار با هویت و فرهنگ جامعه

تجربه جهانی و توسعه کشورهایی همچون ژاپن، هند، چین، کره جنوبی و مالزی مبین آن است که تکیه بر هویت و فرهنگ ملی و بومی اساس هر نوع توسعه پایدار و واقعی است. علت این امر ریشه در این حقیقت دارد که توسعه در بستر فرهنگی - تاریخی تکامل و تحقق می‌یابد.

۱۰. آموزش فرهنگی

آموزشی که در برگیرنده دو مقوله تعلیم و تربیت است و دانشگاه‌ها تأمین‌کننده نیروی متخصص و عاملی تعیین‌کننده برای بازآموزی و روزآمد ساختن اطلاعات حرفه‌ای بخش فرهنگ، صنعت، و ... می‌باشد که این آموزش باید در خدمت فرهنگ جامعه قرار گیرد و با مشارکت، مشاوره، طراحی و تدوین برنامه استراتژیک و نیز با تقویت بنیان‌های اعتقادی و رشد اخلاقی و افزایش سطح آگاهی در جامعه به فرایند توسعه یاری رساند.

## نتیجه‌گیری

چشم‌انداز به‌عنوان نقطه عطفی در راهبردها و سازماندهی

است که بتواند زمینه‌های استقرار رشدی پایدار و درون‌زا و مبتنی بر تحولات عمیق اجتماعی را فراهم آورد.

تلاش برای دست یافتن به آینده‌ای بهتر و طراحی و تبیین ویژگی‌ها و ترسیم موقعیت جامعه‌ای که نسل‌های امروز و آینده، بتوانند آگاهانه و با اتکای نفس، در مسیر تحقق آن گام بردارند، نه تنها لازمه پویایی و امید مردم این سرزمین است، بلکه برآمده از اصول و آرمان‌هایی است که در اندیشه و فرهنگ اسلامی و انقلابی جای دارد.

این چشم‌انداز، تصویری از آینده مطلوب را ترسیم می‌کند، که هرگاه در ذهن آحاد جامعه جای گیرد، مسیر تحولات و دگرگونی‌های جامعه را هموارتر می‌کند. در چارچوب چشم‌انداز مطلوب است که برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های فردی و اجتماعی به‌سوی آینده آرمانی، جهت‌گیری پیدا می‌کند.

بررسی این مقاله بر روی پارامترها و اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله کشور نشان می‌دهد که فرهنگ و آموزش عالی تأثیر بسزایی در تعیین اهداف چشم‌انداز داشته است و اکثر قریب به اتفاق اهداف چشم‌انداز ماهیت و هویتی برگرفته از این دو دارند. از طرف دیگر وقتی شاهد موفقیت کشور در فرایند توسعه خواهیم بود که به اهداف چشم‌انداز و اهداف از پیش تعیین شده دست یابیم. بنابراین ملاحظه می‌شود که آموزش عالی و حوزه فرهنگ با قابلیت‌هایی که از لحاظ به نتیجه رساندن اهداف چشم‌انداز ایفا می‌کند، در موفقیت و پیشبرد فرایند توسعه کشور نیز نقش موثر و قابل توجه دارد. برآورده شدن اهداف توسعه‌ای کشور آثار بسیار مثبتی بر روی جامعه دارد و ترقی و پیشرفت کشور را به‌دنبال خواهد داشت.

#### منابع :

- ارژمند، محمود. (۱۳۸۶). «تأملی در مفهوم مهندسی فرهنگی»، در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- آگبرن، و. نیمکف. (۱۳۸۵). «زمینه جامعه‌شناسی»، ترجمه و اقتباس ا.ح. آریانپور، تهران، نشر کتاب‌های جیبی.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفت صنعتی»، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
- ترنر، جانانان اچ. (۱۳۷۸). «مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی»، ترجمه محمد

فولادی و محمدعزیز بختیاری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. - خادم، امیررضا. (۱۳۸۶). «مدیریت راهبردی فرهنگ و چالش‌های برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران»، مهندسی فرهنگی، ش ۷۶، در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- رازنهان، فیروز. (۱۳۸۶). «پیش‌شرط تحقق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی»، مهندسی فرهنگی، ش ۷۸.

- رضایی، محسن. (۱۳۸۴). «چشم‌انداز ایران فردا»، تهران، انتشارات اندیکا. - زندی، مجید. (۱۳۸۶). «جنبش نرم‌افزاری در ابتدا راه»، سایت دانایی - دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.

- ژبرار، آگوستین. (۱۳۷۲). «توسعه فرهنگی»، تجارب و خط مشی‌ها، ترجمه عبدالحمید زرین قلم، پروانه سپرده و علی هاشمی گیلانی، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.

- طوسی، محمد علی. (۱۳۷۲). «فرهنگ سازمانی»، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

- غروی‌زاد، احمدرضا. (۱۳۷۳). «درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی»، تهران: جهاد دانشگاهی.

- فرمینی‌فراهانی، محسن. (۱۳۸۹). «بررسی راهبردها و راهکارهای تحقق اهداف فرهنگی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی»، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، تهران.

- فرهی، برزو. (۱۳۸۶). «درآمدی بر تفکر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- فولادی، محمد. (۱۳۸۸). «مهندسی فرهنگ و نقش نخبگان در آن»، فصلنامه معرفت، سال هجدهم، شماره ۱۴۶- بهمن ماه.

- فولادی، محمد. (۱۳۸۶). «بررسی علل و عوامل ثبات و تغییرات فرهنگی در ایران»، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

- گدیز، آنتونی. (۱۳۸۳). «جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.

- محمدی، مهدی و سیفاله فضل الهی و مه‌ری ایزدی یگانه. (۱۳۸۴). «بررسی میزان تولیدات علمی اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و آسیب‌شناسی آن»، قم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

- میرفردی، اصغر. (۱۳۸۶). «جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و مهندسی»، در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ناطقی، مهدی. (۱۳۸۶). «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- وحدت‌فرزین. (۱۳۸۲). «رویارویی فکری ایران با مدرنیست»، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.

- یونسین، مجید. (۱۳۸۵). «گفتگو بر بستر تکثر فرهنگ‌ها در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی ش ۱، صفحات ۲۸-۲۵، دانشگاه آزاد اسلامی.

- Karahanna, E., Evaristo, J. R. & Srite, M. (2005). Levels of Culture and Individual Behavior: An Integrative Perspective, Journal of Global Information Management, 13(2), 120-